بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 22 آذر 1396.

عرض کنم خدمت شما بحث سر این بود که و لا یحلّ لهنّ ان یکتمن ما خلق الله فی ارحامهنّ معنایش چیست؟ بعضی ها خصوص حیض گرفته بودند مراد از ما موصوله را و بعضی ها خصوص حمل گرفته بودند و بعضی ها اعم گرفته بودند. ما گفتیم که دو مرحله باید بحث شود یکی اینکه ظاهر آیه فی نفسه چیست و یکی اینکه روایات مفسره چه چیزی اقتضا میکند. ما مقام دوم را مقدم داشتیم. در روایات مفسره یک روایت تفسیر عیاشی بود که ظاهرش این هست که خصوص حمل است. و یک روایتی در مجمع البیان از امام صادق نقل کرده است که معنی اعم اراده شده است. خب هر دو این روایت ها مرصل هستند. ما در مورد روایت تفسیر مجمع البیان علاوه بر اشکال ارسال اصل روایت بودنش را هم زیر سؤآل بردیم. گفتیم دو جهت یکی اینکه اولا عارت عبارتی نیست که ظهور داشته باشد که در یک روایت وارد شده است به این مضمون که هر دو آن مراد از آیه باشد ممکن است برداشت ایشان از عبارتی را که نقل می کند که قد فوّض الله الی النساء الحیض و الطهر و الحمل باشد. این یک مقداری ذوقی است یکی بگوید که ظهور این عبارت این هست یا نیست. من خیلی اصرار ندارم در اینکه ظهور عبارت هست یا نیست. نکته دوم که مهمتر است این است که ما احتمال می دهیم که مرحوم طبرسی این عبارت را روایت چیزی که به عنوان روایت تلقی کرده است از تفسیر قمی گرفته است و برداشت نادرستی از تفسیر قمی هست که ایشن دارند. به تناسب توضیح بیشتر این احتمال اخیر یک نکته ای را عرض کنم آن این است که در مورد تفسیر علی بن ابراهیم خب بحث های زیادی هست. یک سری مراحل بحث را من فقط نتیجه اش را گویم تا آن نکته ای که می خواهم به آن تکیه کنم بپردازم. خب در اینکه این تفسیر موجود بتمامه مال علی بن ابراهیم نیست پژوهش هایی که انجام شده است این مطلب را روشن کرده است. و اصلا این تفسیر اصلش هم این جور نیست که اصل تفسیر علی بن ابراهیم را آورده باشد افزوده هایی را آورده باشد این هم خیلی ثابت نیست. این احتمالش جدی هست که این یک کتابی هست محورش محور اصلی اش تفسیر علی بن ابراهیم بوده است. نه همه روایت های علی بن ابراهیم را آورده است نه همه آن چیزی که در این کتاب است از علی بن ابراهیم باشد. خب این یک مرحله بحث. یک مرحله دیگر بحث این است که تفسیر یک مواردی در کتاب علی بن ابراهیم تصریح شده است که مال علی بن ابراهیم است. حالا یا با ضمیر به علی بن ابراهیم بر می گردد یا با اسم ظاهر مشخص است که مال علی بن ابراهیم است. یا با سند هایش که معلوم است مال علی بن ابراهیم است. حدثنی ابی عن ابن ابی عمیر خب سند معروف علی بن ابراهیم است. این موارد چقدر اعتبار دارد. خب این یک بحثی است. حاج آقا با مقایسه مواردی که در تفسیر علی بن ابراهیم هست با نقلیاتی که در تأویل الآیات از تفسیر علی بن ابراهیم شده است نتیجه گیری می کنند که تفسیر علی بن ابراهیم اعتبار مطلق ندارد. یک نوع اعتبار متوسط برایش قائل هستند. می گویند در جاهایی که در سند تفسیر موجود یا در متنش یک قرابتی باشد سندا و متنا آن تفسیر موجود علی بن ابراهیم حجت نیست. یک حجیت متوسط یعنی بعضی موارد ذاتا حجت هست و در بعضی موارد ذاتا حجت نیست. این را نمی خواهم بحث کنم فعلا نتایج بحث را دنبال می کنم. خود حاج آقا یک موقعی اشاره می فرمودند که این بحث برای تکمیلش نیاز دارد به مقایسه موارد تفسیر علی بن ابراهیم نسخه موجودی که به نام تفسیر علی بن ابراهیم دارد با منقولات مجمع البیان از علی بن ابراهیم این باید مقایسه شود تا این بحث یک مقداری بهتر پیش رود. من یک مقایسه مفصلی کردم و یک مقاله هم نوشته ام که چاپ نشده است هشتاد نود صفحه است. آن چیزی که مجموعا از مقایسه تفسیر علی بن ابراهیم موجود با نقلیاتی که در مجمع البیان از علی بن ابراهیم می شود استفاده می شود در اینکه این نقلیات با منقولاتی که مجمع البیان از علی بن ابراهیم نقل می کند خیلی قرابت نزدیک دارد بحثی نیست. و خود همین مؤید اعتبار فی الجمله تفسیر موجود است. ولی یک اختلافات زیادی هم دارد. حالا بعضی اختلافات از باب نسخه بدل یبعث تبعث نمی دانم یزید برید این جور چیزها خیلی مهم نیست. اختلافاتی که شبیه نقل به معنا طوری است. اختلافات این جوری اختلافاتی که مثلا یک روایت اینجا مفصل است آنجا کوتاه است یا برعکس در نسخ موجود مثلا این روایت مختصر است در حالی که در مجمع البیان مفصل تر است یا عبارت هاش شبیه نقل به معنا طوری است این جور موارد یک سری موارد هست. حالا اینها را باید چه کرد مجموعا به نظر من رسیده است که تفسیر علی بن ابراهیم تقریرات درس علی بن ابراهیم بوده است که راوی های مختلف از درس نوشته اند. علی بن ابراهیم اواسط عمرش می گویند نابینا شده بوده است و یک نوع تقریراتی بوده است که نوشته شده و چند در واقع تحریر بر اساس تقریرات مختلفی که نوشته شده است در مورد این کتاب وجود داشته است. حالا مرحوم

سؤال:

پاسخ: نه می تواند این جور باشد اما اینکه حتما بعد از نابینا شدن باشد و اینها خیلی دلیل روشنی بر این مطلب ندارم. ولی این احتمال که دقیقا تحریر های، حتی بیش از دو تحریر مرحوم سید بن طاووس از تفسیر علی بن ابراهیم نقل می کند باب بندی ها می گوید چند باب است یک مشت خصوصیاتی از تفسیر علی بن ابراهیم نقل میکند در بعضی نقل هایش که این شاید و بعضی تفاوت هایی که باز در نقل های مرحوم سید بن طاووس هست شاید بیش از دو تحریر هم داشته است. مثلا سه تحریر. یا مثلا چند بار ایشان این کتاب را املا کرده است یا بیان کرده است یک مقداری در این نقلیات تحریر های مختلفی از یک کتاب عرضه کرده است. حالا یا چند تحریره که خود مؤلف چند تحریر داشته است. چند بار املاء یا ارائه حدیث داشته است. یک همچین چیزهایی در مورد این کتاب باید وجود داشته باشد. شبیه بحوث آقای هاشمی با مباحث الاول آقای حائری تقریاتی که در درس آقای صدر هستند خیلی جاها با هم تفاوت دارد. بعضی از این تفاوت ها را آدم احساس می کند که مربوط به یک درس هستند مربوط به یک دوره است و تفاوت های تقریری است و نحوه برداشتی که از آن درس دارد مختلف است. ولی بعضی هایش پیدا است که مربوط به دو دوره درسی هستند. بعضی از این تفاوت های بین تفسیر موجود و مجمع البیان را به دو تقریری که از یک درس باشد می شود حمل کرد و بعضی ها حتی این هم نمی شود. دو تقریری که یا دو تحریر یعنی خود مؤلف کتاب را املا و بیان کرده است و در تحریر دیگر ممکن است تغییراتی در نحوه بیان داشته است. بعضی از چیزهایش را دو تقریره هم کافی نیست. این اجمالی از آن بحثی که تا اینجا داشتیم. یکی از تفاوت هایی که گاهی اوقات در نقلیات تفسیر مجمع البیان هست این است که بعضی موارد در مجمع البیان به عنوان روایت نقل کرده است و گفته است قال الصادق، روی عن الصادق، المروی عن الصادق و به علی بن ابراهیم هم صریحا نسبت داده است ولی در این تفسیر موجود که مراجعه می کنیم می بینیم که روایت نقل نکرده است عبارت خود علی بن ابراهیم است و به عنوان روایت آن را نیاورده است. این موارد را باید چه کرد؟ من تصور می کنم که این موارد احتمال دارد که احتمال جدی هست در مورد این موارد که یک نوع برداشت نادرستی مرحوم طبرسی از عبارت این کتاب داشته اند. این کتاب نمی خواهم حتی این نسخه را هم بگویم. خیلی وقت ها نام مؤلف کتاب در آغاز تعبیر هایی که مؤلف میخواهد تعبیر کند ذکر می شده است. به خصوص اگر کتاب جنبه املایی داشته باشد یعنی استاد کتاب را گفته است و شاگرد نوشته است. گاهی اوقات اول مطالب می گوید قال یعنی قال الاستاد. یا تقریر قال به معنای قال الاستاد این احتمال دارد که این تعبیر های قال هایی که در این تفسیر موجود هس اصل این قال مال همان راویان بوده است راویان تعبیر قال تعبیر کرده اند به اعتبار اینکه می خواهند بگویند که علی بن ابراهیم در ذیل آیه، آیه را اینگونه تفصیل کرد. و مرحوم طبرسی این قال ها را تصور کرده است که یک روایتی از امام صادق علیه السلام است. حالا چطور این را روایت از امام صادق گرفته است خودش یک دقتی می خواهد. که چه شده است من به نظرم در بحث یک چیزی از یک جایی دیدم الآن خیلی ذهنم درگیر این قضیه بود که کجا دیدم که در بعضی از مخطوطات تفسیر علی بن ابراهیم اشاره به این است که این کتاب روایت از امام صادق هست یک همچین چیزی در زوایای ذهن من هست باید این را پخته کنم ببینم نقل قولی در این مورد هست یا نه. حالا آن که می خواهم بگویم یک موارد آدم مقایسه می کند در تفسیر علی بن ابراهیم تعبیر دارد که مثلا و قوله تعالی فلان قال، اینها را در این جور موارد در تفسیر مجمع البیان قال الصادق نقل کرده است. بعضی جاهای اینها صریحا از تفسیر علی بن ابراهیم نقل شده است بعضی از این موارد که صریحا از تفسیر که من سه مورد را یادداشت کردم که از علی بن ابراهیم در مجمع جلد 1 صفحه 277 یک روایتی نقل کرده است که همین در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 59 ما بتلاه الله به فی نومه عبارتش هم در آن هست این با تعبیر با لفظ قال آمده است. یکی دیگر مجمع جلد 2 صفحه 620 در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 82 البته اینجا قال ندارد ولی از عبارت ها علی بن ابراهیم که در ضمن یک روایتی در مورد داستان جالوت و اینها هست آنهم عبارت علی بن ابراهیم است. حالا مورد سوم این را حالا آنها را عبارت هایش را یادداشت نکردم فقط آدرس هایش را یادداشت کردم ولی مورد سوم را عبارتش را هم یادداشت کردم در مجمع البیان جلد 2 صفحه 162 این است

و کذا رواه علی بن ابراهیم باسناده عن الصادق علیه السلام قال الزکوه

این باخفائها این دارد من نمی دانم، عبارت این است

الزَّكَاةُ باخفائها الْمَفْرُوضَةُ تُخْرَجُ عَلَانِيَةً وَ تُدْفَعُ عَلَانِيَةً-

این باخفائها نمی دانم این وسط چه کاره است. نباید این را داشته باشد. عبارت باید اینگونه باشد

الزَّكَاةُ «5» الْمَفْرُوضَةُ تُخْرَجُ عَلَانِيَةً وَ تُدْفَعُ عَلَانِيَةً-

این یک باخفائها این وسط آمده است نفهمیدم برای چیست. در تفسیر قمی عبارت این است در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 92

قوله ان تبت الصدقات ... ما هی قال الزکاه المفروضه تخرج علانیه و تدفع علانیه

ادامه عبارت هم همان ادامه عبارت تفسیر علی بن ابراهیم است.

یک نکته جالب اینجا این است که حالا اینها مواردی بود که تصریح به علی بن ابراهیم شده است که سه مورد بود. مواردی که تصریح به علی بن ابراهیم نشده است و به عنوان یک روایت از امام صادق نقل شده است این موارد هم کم نیست حالا من تا جلد ششم مجمع البیان را تمام مواردی که از امام صادق با لفظ الصادق نقل کرده است آنها را یک مرور سریعی کردم و اینها یک سری موارد را یادداشت کردم الآن می خوانم. چهار جلد بعدی اش هم شاید مواردی داشته باشد

جالب اینجا است که اکثر این موارد را که شما مراجعه می کنید از این قال ها است. البته نمی خواهم بگویم همه مواردی که یک روایت از امام صادق گفته است اینها از تفسیر علی بن ابراهیم است. خب خیلی جاهایش روایت حقیقی است. ولی موارد کمی نیست موارد زیادی هم در فی نفسه هست که از مربوط به تفسیر های علی بن ابراهیم هست که ایشان به عنوان روایت از امام صادق نقل می کند. که یک موردش را من اینجا حالا اول می خوانم به دلیل اینکه در نزدیک مواردی هست که از علی بن ابراهیم هم تصریح به نقل کرده است. در مجمع البیان جلد 1 صفحه 406 دارد روی عن الصادق علیه السلام انه قال یعنی فی کفرٍ در ذیل آیه فانما هم فی شقاق سبقه الله و من احسن من الله سبقه، آن فانما هم فی شقاق را می گوید روی عن الصادق علیه السلام انه قال یعنی فی کفرٍ. آن سبقه الله و من احسن من الله سبقه که بعد از این وارد شده است می گوید روی عن الصادق علیه السلام قال یعنیبه الاسلام. بعد یکی دو صفحه بعدش جلد 1 صفحه 413 می گوید رواه علی بن ابراهیم باسناده عن الصادق علیه السلام قال تحولت القبله الی الکعبه و داستان تحویل قبله را نقل می کند. هر سه این نقل ها در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 63 اینگونه نقفل شده است. قوله فانما هم فی شقاق یعنی فی کفرٍ قوله سبقه الله و من احسن من الله سبقهً یعنی به الاسلام بعد چند سطری مطالبی دارد بعد آن تحولت القبله الی الکعبه را در ادامه داستان تحویل قبله به کعبه و همان عبارت های که در مجمع البیان آمده است را نقل کرده است. این چهار موردی که تصریح به علی بن ابراهیم است. غیر از اینها موارد متعدد دیگری هم ما داریم که من این موارد را که یادداشت کردم برای شما بخوانم یکی تعبیر المرویّ عن الصادق علیه السلام که عبارت ما هم المروی بود اول موارد مروی را نگاه کردم. در مروی عن الصادق علیه السلام غیر از موارد مورد بحث ما که بود چند مورد داشت در مجمع جلد 3 صفحه 137 دارد قیل نزلت فی عیینه الحسین الفزاری یک روایت یک آیه ای را می گوید نزلت بعد چند خط مطلب را می گوید و هو الذی سماه رسول الله الاحمق المطاع فی قومه. و هو المروی عن الصادق علیه السلام. این در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 147 این شکلی هست. قوله ستجدون آخرین یریدون عن یأمنوکم نزلت فی عیینه بن حسین الفزاری بعد همان عبارت های مجمع البیان را دارد تا آخر و هو الذی سماه رسول الله ص الاحمق المطاع فی قومه. این یک مورد. یک مورد دیگر در مجمع البیان جلد 8 صفحه 670 به تناسب انّ اصحاب الجنه الیوم فی شغلٍ فاکهون دارد می گوید شغلوا بافتزاز العزارا. عن ابن عباس و ابن مسعود. و هو المروی عن الصادق علیه السالم. می گوید فی تفسیر القمی جلد 2 صفحه 216 قوله ان اصحاب الجنه الیوم فی شغلٍ فاکهون قال فی افتزاز العزارا فاکهون. این این جوری دارد. بعد در مجمع جلد 8 صفحه 678 می گوید اختلف القائل للذلک فقیل هو ... بن خلف عن قتاده و مجاهد و هو المروی عن الصادق ع. در تفسیر قمی جلد 2 صفحه 323 دارد قال نزلت فی ... بن خلف. این یک موارد، موارد مروی عن الصادق را همه اش را نگاه کردم. ولی موارد الصادق خالی را که حالا غیر از مرسلات بود تا جلد شش رسیدم بقیه را نرسیدم. حالا آن

سؤآل:

پاسخ: حالا این را هم یاداشت کردم که در مقدمه تفسیر قمی عبارتی دارد مرحوم چیز نحن ذاکرون و مخبرون بما ینتهی الینا و رواه شیوخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم و اوجب ولایتهم و لا یقبل عمل الا بهم. اشاره می کند که من در این کتاب روایات را می آورم. ولی اینکه چرا به امام صادق نسبت می دهد. ظاهر روی عن الصادق این است که مراد امام صادق است نه مراد عن الامام المعصوم علیه السلام باشد. ما همچین چیزی را بله حالا عرض کنم خدمت شما ممکن است جایز باشد

سؤال:

پاسخ: آن یک بحث دیگر است که کلهم نورٌ واحد این را داشته باشید که به هر امامی نسبت دهیم و اینها من نمی دانم البته یک تعبیری در یک روایتی از ابی بصیر هست که از امام صادق سؤآل می کند که من از پدر شما و از خود شما حدیث شنیده ام نمی دانم که از کدام شما هست. حضرت می فرماید که می توانی از پدرم نقل کنی می توانی از خودم نقل کنی و ان تروی عن ابیه احبّ الیّ. ولی اینکه به طور کلی من الآن یادم نمی آید که دلیل داشته باشد. البته طبق قاعده ممکن است ما تجویز کنیم آن یک بحث دیگر است. اما اینکه آیاصاحب مجمع البیان به خاطر این است که مثلا

نمی دانم من عرض کردم که احتمال میدهم که به دلیل اینکه اکثر روایات از امام صادق هست، ایشان می گوید که این کثرت نقل از امام صادق، مصحّح ارجاع ضمیر به امام صادق است. کأنه تقدم ذکری دارد. در مرجع ضمیر تعبیر می کنند که گاهی اوقات مرجع ضمیر باید متقدم معنوی باشد یا لفظا أو معنا أو چهار جور تقدم ذکر برای مرجع ضمیر می گویند أو حکما ین در واقع به اعتبار کثرت نقل از امام صادق علیه السلام این ممکن است این کثرت نقل منشأ شده باشد که صحیح بداند که این ارجاع ضمیر به آن داشته باشد. حالا اینکه چرا چه شده است که مرحوم طبرسی اینها را روایت از امام صادق برداشت کرده است عرض کردم دیده ام که در بعضی جاها نقل می کنند از بعضی از مخطوطات تفسیر قمی که روی جلد بعضی از نسخ نوشته شده است که این کتاب مروی از امام صادق علیه السلام است. همچین چیزی در بعضی از نسخ تفسیر علی بن ابراهیم همچن چیزی در ذهنم هست حالا باید یک مقداری این را مراجعه کنم. علی أی تقدیر اینکه چه شده است که این نقلیات به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است خودش یک مرحله دیگر است. یکی اینکه خیلی وقت ها نقلیات که مال علی بن ابراهیم هست به عنوان روایت تلقی شده است من حالا ابتدا این مرحله اش را. حال نحوه علتش را و امثال اینها یک مرحله دیگر است که باید بیشتر دقت شود.

سؤال:

پاسخ: نه در مورد اینکه در تفسیر علی بن ابراهیم موجود این قال ها به خود علی بن ابراهیم بر می گردد روشن است و حالا و در اینکه یک نوع اشتباه در برداشت هست من بحثی ندارم. بحث من این است که اشتباه در برداشت هم نکته می خواهد. این جور نیست که هر چیزی را انسان بتواند این را یک موقعی مثال می زدم که تقدیر هم قانون دارد. هر چیز را هر جایی نمی شود تقدیر گرفت. یک بنده خدایی داشت شعر می گفت می گفت که

یقین دارم که خدا ارحم الراحمین است

یقین دارم که شیطان رجیم است

بابا کفر نگیر

گفت خالق در تقدیر بگیر. این جور نیست که این جور مشی کرده اند که هر جایی که هر کسی عشقش کشید بتواند یک چیزی در تقدیر بگیرد. تقدیر هم یک نوع قانون دارد. این هم اگر یک اشتباهی هم رخ داده باشد اشتباه که ما می خواهیم بگوییم برای مرحوم طبرسی اشتباهی رخ داده است ولی اشتباه هم یک روال منطقی باید داشته باشد. آدمیزاد منطقی فکر می کند. اشتباهش هم بر یک روال منطقی است. و اگر ما بتوانیم آن روال منطقی را کشف کنیم، اشتباهات را هم میتوانیم بفهمیم چه بوده است که این اشتباه را ایجاد کرده است یعنی اشتباه حرکت است از صحیح به اشتباه اگر ما روال منطقی را کشف کردیم میتوانیم از این اشتباهات آن اصل صحیح را هم کشف کنیم. این خیلی مهم اس در بحث تصحیف و تحریف که ما بتوانیم ان روال منطقی اشتباهات را به دست بیاوریم. این از بحث های مهم در بحث های

سؤال:

پاسخ: نه این مقدار این حجم زیاد که حالا می گویم مواردی که هست خیلی زیاد است. نه اینکه بگوییم همه اینها قال الصادق بوده است خیلی مستبعد است. من حالا مواردش را میگویم مجموعا شاید 15 مورد هست یادداشت هایی که دارم جلد های دیگر را هم نگاه می کنم. این حجم مشابهت خیلی مستبعد است که تفسیر علی بن ابراهیم

سؤال:

پاسخ: بله تفاوت ها هست ولی آن تفاوت ها خیلی از باب نقل به معنا است و این جور چیزها ولی اینکه یکیش اصلا عبارت خود علی بن ابراهیم است بگوییم آنها روایت باشد این خیلی مستبعد است. این توجیه منطقی ترش همین است که یک اشتباهی در منصوب دانستن عبارت های خود علی بن ابراهیم به امام صادق علیه السلام برای مرحوم طبرسی رخ داده است. خب حالا عرض کنم خدمت شما چیزهایی که من یادداشت کرده ام بخوانم. در مجمع البیان جلد 1 صفحه 388

روی عن الصادق قال هی ثمرات القلوب أی حببهم الی الناس

اگر یک موقعی این نکته ای هم من بگویم تعبیرات هم تعبیرات روایی نیست و شبیه عبارت های فقها است. من هم الصادق را که مراجعه می کردم همه مواردش را مراجعه نکردم آنهایی که لحن کاملا لحن روایی هست را مراجعه نکردم اصلا. یا نحن قوم فرض الله طاعتنا خب این پیداست که روایت است علی بن ابراهیم که این را نمی گوید. این چیزها را اصلا مراجعه نکردم چیزهایی که مشابهاتش را در رویات الفاظ و اینها بود مراجعه نکردم اصلا. آن چیزهایی که لحن لحن عبارت های علما است را مراجعه کردم در اینها موارد خیلی زیادی پیدا کردم. روی عن الصادق علیه السلام قال هی ثمرات القلوب أی حببهم الی الناس

در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 62 دارد قال من ثمرات القلوب أی حببهم الی الناس و بعد عبارت ها را آورده است که یک مقداری اختلافات الفاظ هم در آن هست. این یک مورد. مورد بعدی مجمع البیان جلد 2 صفحه 534

روی عن الصادق علیه السلام ان الحرف فی هذا الموضع الدین و النسل الناس. این عبارت ها مفسّر است و عبارت های تفسیری خاصی است. در تفسیر قمی دارد و قوله و یهلک الحرث و النسل قال الحرث فی هذا الموضع الدین و النسل الناس. آدرسش را ننوشته ام مراجعه کنید آدرسش را پیدا میکنید. در مجمع البیان جلد 2 صفحه 593

روي عن الصادق ع انه قال لا تصرحوا لهن النكاح و التزويج قال و من السر أن يقول لها موعدك بيت فلان

در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 88 هست

و لا جناح علیکم فیما ... أو اکننتم فی انفسکم فهو ان یقول الرجل ... فی العده لا توفی عنها زوجها لا تحدثی حدثا و لا یصرح لهن النکاح و التزویج ... و السر و النکاح

بعد می گوید

و قال ... الا ان تقول قولا معروفا ... فی عده المرأه للمرأه موعدک بیت فلان

این عبارت تفسیر خود علی بن ابراهیم هست. این هم دو مورد. بعدی اش روی عن الصادق علیه السلام چیز عبارت این است

ضحکت بمعنا ... عن مجاهد و روی عن الصادق علیه السلام ایضا

در تفسیر قمی جلد 1 صفحه 334 یک عبارتی که عبارت تفسیری خودش است و به عبارت نسبت نمی دهد. ضحکت أی حازت. این یک عبارت

سؤآل:

پاسخ: نه آن یک بحث دیگر است حالا آن از خودش که مجاهد و امثال اینها هم این را گفته اند این چیزی بوده است که می گوید یک معنای لغوی ضحکت حازت است. خود مجاهد هر جور به هر وجهی معنا کرده است علی بن ابراهیم همان جور توجیه کنید. بحث این است که خود آن مجاهد چه شده است که ضحکت را به معنای حازت گرفته است. آن می خواهند بگویند که اصلا اینجا جای ضحکت نیست. جای این است که زمینه ممکن است همان مجاهد را دیده است تو پذیرفته است. مفسّر شیعی آن مطلب چیز برایش چیز بوده است. این یک مطلب و تازه بحثی که می خواهم بگویم اینکه حالا یک روایتی بوده است که ضحکت را به حازت معنا کرده است این یک بحث و اینکه دقیقا یک روایت مشخصی از امام صادق علیه السلام در این مورد وارد شده باشد یک بحث دیگر است. ممکن است اصالتا بعضی از اینها هم یک روایت های بوده است روایت ممکن است از یک امام باشد یا از یک امام دیگر باشد امثال اینها ولی به هر حال علی بن ابراهیم روایت نقل نکرده است. می دانید شبیه چه؟ شبیه فقه مأثور روایت هایی که فقه مأثور دارند این را چیز هست. وقت تمام شد حالا من چهار جلد بعدی اش را هم نگاه می کنم من فکر می کنم با توجه به مجموع این مواردی که عرض کردیم و عرض خواهیم کرد اینکه این احتمال کاملا احتمال جدی است که اصلا این روایت نباشد. همین عبارت تفسیر علی بن ابراهیم باشد و عبارت هایش هم خیلی مشابه همین است و اصل روایت بودن تفسیر ما فی ارحامهنّ به اعم از حیض و حمل ثابت نیست. این خلاصه عرض ما.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد